

چاپ لندن

U.K. 40p. U.S.A. \$1.25 FRANCE 6F CANADA \$1 AUSTRIA 15sch

۱۲ صفحه

۲۵ وین

دوره دوم - شماره ۱۸ (۲۲)  
جمعه ۲۸ خرداد ۱۳۶۱



در تبعید

AHANGAR

No. 18 (34) 18 JUNE 1982

# چریک‌های اسرائیل وارد اسلام آوردند!



ظهور قدرت خدا بر سرناستی‌ها زده در خاور میانه!

# جمهوری اسلامی هم میخواهد پنجمین قدرت دنیا شود!



— مرشد جان .  
— جان مرشد جان .  
— پریروز تو ی کیبها نخوا ندیم که حجت الادبانی، مدیر سیاسی  
ایدئولوژیک نیروی دریا می گفته "یکی از دنیا زما می خوریت قدرت  
است . ما در دنیا می زندگی میکنیم که قدرت را مساوی با حق میدانند  
و میگویند حق فقط از دها نشأت میگیرد و بیرون میآید هر کی تو پتر  
با شد محتر متراست . " فکر میکنی منظورش از این حرفها چیه ؟  
— فکر میکنی وقتی شاه همین حرفها رو میزد و میرفت بول خون  
شب مردم میداد سلاح میخرید و با سلاح خونخوار میماند  
کرده بود منظورش چی بود ؟  
— ای بیکه و افخه مرشد ، ما خودش منظورش گفته بود ، چون او  
میخواست ایران پنجمین قدرت دنیا بشه .  
— سه بچه جون ، منظورش این نبود چون پنجمین قدرت دنیا شدن  
بعنا چینی چیزا س که آ خریدن سلاحه ، منظورش این بود که به  
ملیت بیکه حق داره پول و اسلحه رو بده به غرب و اسلحه بخره . جسون  
همو منظور که هفته پیش بهت گفته ، شرب با پیدا سلاحه به روشه . شا  
بتونه روی پای خودش وا سته ، بیتا بر اینا با یه جنگ راه بندازه ،  
که راه انداخت و دیدیم تموم سلاحه ایرو که به شاه دفر وخته بود و به  
صدام ، ظرف مدت کوتاهی دو دگر دویه هوا فرستاد ، با یادم مردم  
از خطر جنگ بترسونه که همین هر شبه که از دنیا بینجنت الادبانی  
میرنه .

## غزلیات خمینی



### مارگارت تاجروریگان شکلاتم دادند

"دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند"  
خونای خلق مبارزه دکا تم دادند  
روترش چون شدم از تلخی خون ، جایزه را  
مارگارت تا چروریگان شکلاتم دادند  
شہوت و قدرت و دیکتاتوری و جھل و جنون  
شیره شاه به حرف و حرکاتم دادند  
خلف نوری و کاشانیم و این دو سلف  
بهر مزدوری سرما بیدراتم دادند  
من به دلپیچه نیفتم چو سپیچم سر خلق  
که فر دبا غی و فردوست نیاتم دادند  
نکنم پای به کشتار و بدمیرانی سست  
صهیونیستا نجا چون که شایتم دادند  
شیخ فرصت طلبی بیش نبودم من و خوش  
تا فلان تا به ما مت در جاتم دادند  
تا به توشیح سردر قضا رقیبت خلق  
فقیها ما و جھل و دوانم دادند  
سرخا ز خون جوانان وطن ، دستانم  
رنگ لاله به وجود و وجنا تم دادند  
شمع دزدانم و غارت شدگان آگانهستند  
ببینم آن لحظه که با قوت ، وفاتم دادند  
خواب دیدم که خلائق بی احقاق حقوق  
نقطه خاتمه بر خط جیاتم دادند  
"راوی: ایرج میرزای پسر"

تده و و اسباب و نا خطرنا که ، و نوقت اونجا میرن سلاحه بیشتر  
میخرن و همینطور خریدن سلاحه تمام عدی میشه و همه کشورها منطقه  
با یه اعلامه بر دارن و ندا ر شون ، فرض هم بکنن و سلاحه بخرن .  
— درست تره مرشد ، مگه شاه هر خرید و گفت از ترس عراقه و  
عراق ، خرید و گفت ، از ترس ایرانه ؟  
— ولی الاخره که جنگ نشد و نا ایت نشد که راست میگفتن ؟  
— نکته همینجا س بچه مرشد ، همه ش که همیشه با ترس سلاحه  
خرید ، با لخره یه روزی ممکنه طرف ببینه خبر نیس و دیکه سلاحه  
نخره ، بنا برا یه هر چند وقت یه دفعه با یه جنگ هم بر اش براه  
انداخت تا هم سلاحه ای که خریده مصرف بشه ، و هم با ورکنه که خطر  
چنگ وجود داره . الان همین ایستادن نیکنه کن ، مثلاً لخبوبه و اسه همه  
شوکران و عروسکهای غرب که اونوبه ر خملتشن و بکشن و بوشون زور  
چپون کنن که آ که دمضعیف با شه شده لبینا همیشه ، درست همی  
استدلالی که همین حجت الادبانی کرده .

— خب اینکدرسته مرشد .  
— نه بچه جان ، درست نیس . مسئله ملی اینه که غرب اومده  
اسرائیلو تا کلو مسلح کرده و انداخته بچون کشورها همسایه تا  
همین نتیجه رو بگیره ، آکه فرض مرضی درکارش نبود ، دهن این  
سگها رو میبست که با چه دردمونگیره ، نه اینکده سگها رکنه و ول  
کنند تو محل ، بعدش بیا دیکه ها لرو اسه مقابله با اون ، با بیدین  
ازش چو بدم ، بی بخون .

— پس نتا بینه دیدیم بیم که خمینی از نظر کشت و کشتار و شکنجه و  
دیکتاتوری و بی اعتمادی و سبید کرده بود و فقط مونده بودا سلاحه خریدن  
که اونبیم بخمد ا لسه بزد و دزدیدارها تا زه میشه .

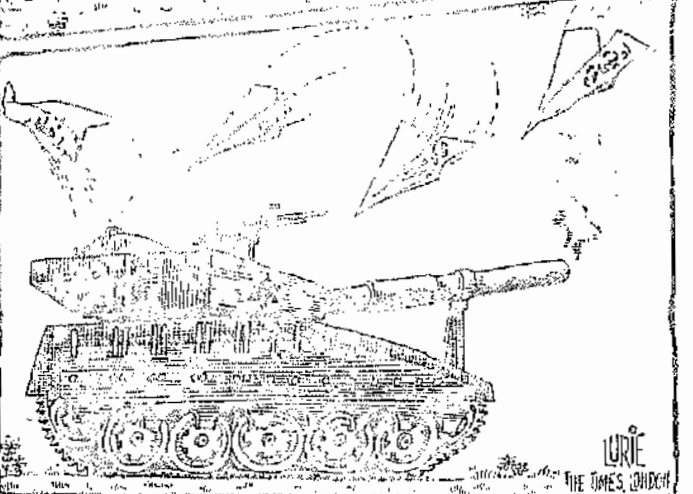
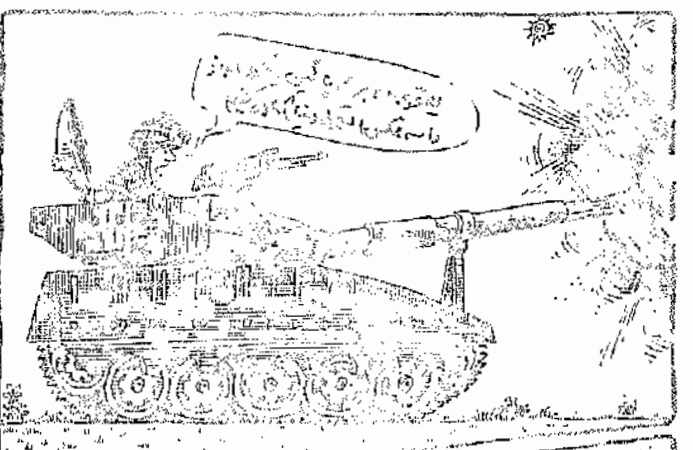
— مرشد .  
— بگو بچه مرشد .  
— خا لاکه صحبت اسرا شیل شد ، هیچ میدونی که بعد از حمله اخیرش  
به لبنان ، هم آمریکا بهش اخطا رکرد ، هم شوروی و هم ما زما نملل ؟  
— بچه مرشد ، تو هم میدونی که اسرا شیل شش بسو پذیرفت ولی  
علامر دکه به همه هدفهاش رسید ؟  
— منظور ؟

بچه دره ۱۰

### اشتراک آهنگر در آمریکا

لطفاً برای اشتراک آهنگر در آمریکا ، با شرکت "سپکو"  
تماس بگیرید تا آهنگر با بست فرست کلاس به نشانی  
شما فرستاده شود . حق اشتراک برای ۲۶ شماره ۳۰ دلار و  
برای ۱۲ شماره ۱۸ دلار است ، نشانی شرکت سپکو :  
SEPCO P.O. BOX 45913 L.A. Ca. 90045

— عجیب ، پس مرشد بگو که بهت هفته پیش چه خبره تکرار میشه .  
— دقیقاً همینطور . منتهی اونوقت بهت از این کردیم  
که غرب داره با ترسونه ، با این شایقه ، رئیس بشون اسلحه  
میفروشه ، این هفته بهت ...  
— شایخا ی عرب از ترس خمینی ، اسلحه بشون فرستاده که  
خمینی به آ ترس اونجا بشون اسلحه بده .  
— قاه قاه قاه ...  
— قاه قاه دوزهار مار و اسلحه چینی ، بی با و حرف من خنده دار  
بود ؟  
— اینجاش که وقتی خمینی و دها این دفعه مرد آده نشودا و  
اسلحه خرید ، و نوقت به شایخا میفروشن اسلحه بشون بیشتر



# اسکنا سہا ی ہ تو ما نی جدید و نما جمعہ



عکسی کہ در این صفحہ میبینید روی اسکن سہا ی جدید ہ تو ما نی است کہ از روز ۲۵ خرداد دبیران گذاشته شدہ و آنرا برای این از کپہا نہما تروز نقل کردہ ایم . ہما تظور کہ میبینید ، روی اسکن سہا تصویر ی ز نماز وحدت شکن جمعہ نقش بستہ ، در پشت آن نیز تصویر ی ز سردردا نشگا ہ منظرہ را رقم زدہ اند .

خبرنگار آہنگر در تہران برای اطلاع ز علت چا ب این دو تصویر در پشت و روی اسکناس نامبرده ، با مدیرکل بانک مرکزی تماس گرفت و مدیرکل مذکور اظہار داشت "من در این مورد اطلاعی ندا رم و بہتر است با مقامات مربوطہ تماس بگیرید" خبرنگار ما کہ خیال میگرد مسائلمربوط بہ نشر اسکناس مربوط بہ بانک مرکزی است ، از اینجواب تعجب کرد و پیا سنخ شنید کہ "تا کنون بہ غلط مسئلہ اسکناس را از مسئولینہای بانک مرکزی قلمداد میکرداند حال آنکہ دقیقاً تصمیم گیری پیا سنخ دا دن بہ سواتات مربوط بہ آن وظایف اما م جمعہ تہران است و مدیر بانک مرکزی حق دعات در مسائلمربوطہ را جزو ہ مسئولیتہا و اختیارانش را ندا رد ."

خبرنگار ما ناچار سرخرا بر کردا ند و خودش را بہ حجت الادب و ہفت سگجا نی ، اما م جمعہ زا ہا س تہرا نرسا ند و سوالش را با ایشا ندر میانہا د .

ہفت سگجا نی جواب داد : "ما با نشر این اسکناس با مشخصاتی کہ دا رد ، توا نستہ ایم از آنہ عنوانیک رسا نہ ہکاتی استقا دہ کنیم . یعنی اینکہ اسکناس علاوہ بر مصرف پولی در معاملات ، حکما علامیہ و اطلاعیہ را ہم پیدا کند . و اینا ز کشفیہای ولایت فقیہہ است و در هیچ کجای دنیا سابقہ ندا رد ."

خبرنگار ما کہ هنوز قضیہ حالیش نشدہ بود ، از ہفت سگجا نی خواست کہ توضیح بیشتری در این مورد بیدہد .

ہفت سگجا نی گفت "شما چرا اینقدر بیہوش تشریف دا رید؟ موضوع خیلی با دہ است ، اولاً ز دوسا لیش رسا بینودہ است کہ بہ ہر یک از امت حزب اللہ کہ در نما ز جمعہ شرکت میکنند مبلغ پنجا ہ تو ما نی بہ عنوانحق القدم پرداخت شود ، اما در این مدت ما متوجہ شدیم کہ مسئولان پرداخت ، ہماہمین پول را بہ امت نما زکرا نر نمیدہند و بستہ

بہ طبعشا نینہا ۴۵ ہ تو ما ن از آنرا لوطی خور میکنند . بہ این علت آ مدیم برا ایشا نبارس کذا شتیم ولی بدتر شد ، چون مقدار ریرا ہما ہا زرس بر میداشت و چیزی در حدود ۵۵ ہ تو ما نیہ نما ز گزارا میرسید ، نتیجہ ہما بین شد کہ روز بہ روز از تعداد نسیماز گزارا نکاستہ میشد ، با لآخرہ کار کما یکا ز حجج اسلام بہ این فکر بر کردیم کہ با چسا پ اسکناس ہ تو ما نی و در چ تصویر نما ز جمعہ بر روی ان ، بہ اطلاع امت حزب اللہ ، کہ غا لباً ہم بہ علت سیاست تحمیق رژیم گذشتہ بیسوا دہستند ، برسا نیم کہ برای شرکت در نما ز جمعہ ، با ایدا اسکناسی بگیرند کہ عکسی نما ز جمعہ روی انجا پ شدہ باشد اما کار ما بہ اینجا ہما تمہ پیدا نکرد و اخترا عرا کا ملتر کردیم و عکس سردردا نشگا ہ را ہم در پشت اسکناس چا ب کردیم تا امت حزب اللہ آ درس را عوفی نروند ."

نقدتسا تر

## نمایشنامہ بیش از ۷۲ تن

محل اجرا : تکیہ بہشتی و محاب کھف

بہ کوری چشم امیریا نیستہا و صبیونہیستہا کہ ہمگی در یک حالت دفا عی بہ ہنرا سلامی و بخصوص بہ معمارا سلامی بسر میبرند و ہرگز در مدد عرضہ یک اشرف و مکتبی در جہت ہد خاک کشا ندن ہمزہا میریا نیستہا و صبیونہیستہا ہر نما مدہ اند گا رگردا ن مکتبی و جوانما دوغ و غا نیبا ارا تہ نمایشنامہ "بیش از ۷۲ تن" یکبارہ دیگر تواسنت حقا سیت جمہوری اسلامی و امت ہمیشہ در محنہ را بہ روی صحنہ ہما ورد ، او کہ از باران ہمزرم و ہمزنجیر برادر دادستان انقلاب میبیا شد با ابداع شیوہ مرضیہ واقع گرا نی سلامی و ہمکارا ہستہا ہا نظلابی ، نوع جدیدی زتسا ترا بہ چہا نیان ارا تہ میکنند ، ما چرا اقتباسی است از واقعہ جا نگدازشہادت بیش از ۷۲ تن ، ہر چند کہ ایشا ن اقتباسی در مقامیہ با اصل حادثہا نقجا ر بسیا رسا چیزو حقیراست و آن صدہا ای کہ بہ جمہوری سلامی وا رد آ مدبا هیچ تسا ترا و صلا ہنر شعری نمیشود عملی کرد ، ما گروہگہا یمنافق و ضدا انقلاب و آمریکائی صدام خا شن پیدا نند کہ ہنر ہمیشہ ہا



نمایشنامہ "در از کردن آقا" در یک چودہ با شرکت ہنرمند ہمیشہ در صحنہ صادق خان قلی زادہ

از مجریان این برنامہ کمال شکر را دارد...

### اندرا آثا رولایت فقیه

تذکر: زکسانیکه در آری عصاب قوی و محکم نیستند و یا در خود استعداد دجنون و خلیبا زی سرا غدا رند، خوا هشمندهیم از قرائت این مطالب خودداری فرمائید.

#### مقدمه - خیاط در کوزه افتاد ...

سلام تشکیل صفحه " اندرا آثا رولایت فقیه " وادامه کار آن در سه هفته گذشته، بسیار روزنامه ها و اخبار و مجله ها را در کشور به آهنگسرها زیر کرب و عترات شدیداً لاجنابیه نویسنده صورت گرفت که چرا این همه روزنامه و مجله را ول کرده و سه هفته وقت عزیز خود و خوا تندگانش را صرف بررسی یک شماره کیبیا شما را یک شماره روز کرده است، نویسنده عزیز به این اعتبار سر تعظیم فرسواورد و یک هفته وقت خود را صرف خواندن و بررسی این نشریات کرد اما در آخر این لحظه ای که میرفت تا مطالب این صفحه را برگزیند پس از خواندن اینها دستش را سرفرا از بین حجازی به کنفرانس او یک که در کتیبها نیاپ شده بود، به علت نداشتن آصاب قوی واداشتن استعداد دجنون و خلیبا زی، تا در و حی خود را از دست داد و یکسر به بیمارستان نوا نی برده شد و اکنون به سبب ابتلا به بیماری خطرناک " ولایت فقیه زدگی " در زنجیر بیمارستان، آفرین خبر رسیده از بیمارانستانها که است که روانه شهر شکانچه نیاپ اینها جمع شده و پس از شور و هیاهو، بیماران را غیر قابل علاج و وجودش را خطرناک گزارش کرده اند، نویسنده تا زه اینستون، با صرف نظر کردن از خواندن سفرنامه فخرالدین عجازی، به بررسی اینها پرداخت و سفرنامه پردها و آهنگر با شی خودده، شولایت شراکت و چاپ آن سفرنامه را در صفحه دیگری به عهده گرفت. (بده صفحه ۱۱ سرا عهده شود). حالاً آجازه بدهید که ما را آفرینم و غنیمت و ما کنی، کند تا قشمان بخیر باشد، آمین یا رب العالمین.

#### فصل اول - فراتر از وکتا بی ...

به شیوه مرسوم مستجاب به الله عزوجل (که چندین معلوم نیست که مرحوم شده باشد) دست میگیریم در تاریخ روزنامه ها ویرسیده و شماره (۱ مورخ "خرداد" ۲۵۴۱ شماره ۱۱ "هموطن" آریگان سا زمان میهن پرستان نیا سیرنا لیست آریا نی حقیقاً اما مغربی به دستمان میآید، با یک نگاه به آفرین فقیه میم که تنها هموطنان مقیم داخل کشور نیستند که از نیا آریا آثا رولایت فقیه برخوردار شده اند، بلکه این نهضت بزرگ هموطنان که ما امت (۳) فرموده اند، جهانی شده و جز نمیشتا به، فستی از زرقا له هموطن را با هم میفرماید، تا چه شوریم که همین روزها ما که در قبا به رت با خیمینی، چه رستای عزیز عظیمی در نیا آریا آثا رولایت فقیه " کوشه آلمان مغربی " دار دخیمین را واگزین میکنند.

این سربیه تقریباً بطور مرتب " سرطن " صدا و فریاد ایرانیان میهنسازانه و جاب و خطی، بیخ در سراسر آلمان، فرانسه، افراتسن، پرچم سه رنگ سیر و دران و سایر کشورهای جهان را جانی در داخل کشور محسوس کرد، که اندر ارمینا و سرسید نشان و اعتقاد به قانون اساسی قنیه باین نهروی طی رومی نیا آریا آثا رولایت فقیه، سفر رژیم خردان و رعایای آریا آثا رولایت فقیه، آفرینم و غنیمت و ما کنی، کند تا قشمان بخیر باشد، آمین یا رب العالمین.

#### فصل دوم - کوا دعا شوقها دقدرا ...

برای اینکه بگویند خیال نگذارید، در شاهانه "هموطن" غلو کرده قسمتی از ما میگیریم، تا ما غیرنا لیست مقیم دور و نمود را برایتان بفیله میکنیم.

هموطنان آریا آثا رولایت فقیه، در سراسر آلمان، فرانسه، افراتسن، پرچم سه رنگ سیر و دران و سایر کشورهای جهان را جانی در داخل کشور محسوس کرد، که اندر ارمینا و سرسید نشان و اعتقاد به قانون اساسی قنیه باین نهروی طی رومی نیا آریا آثا رولایت فقیه، سفر رژیم خردان و رعایای آریا آثا رولایت فقیه، آفرینم و غنیمت و ما کنی، کند تا قشمان بخیر باشد، آمین یا رب العالمین.

فصل سوم - میمیرم و غش میکنم سورات، آدریسا ط نیست ... تا این میهن پرستان سیرنا لیست مقیم دور نمودند و روناخود آکاها میدواری میشود، ما میکی دیگر از ما نیا زما ندر بوخوم را میخوایم نیا به آریگان گذشته میهن پرستان نیا سیونا لیست ایما نیا ویم:

... خیلی دوست داشتیم که می توانستیم غسر که توان مالی نداریم ولی مثل البرز کوه چند هم سده کنگان کنم تا راستان را استوارم و سینهام آماده کولسه دشمن استوارتر ادامه دهید، ولی مدافسون تا خونم ایران را رنگین کند.

#### فصل چهارم - این همه آریاها از زهها از زه بود ...

این میهن پرستان نیا سیونا لیست، را میگذارد ریم تا مثل البرز کوه در بوخوم میاسته و به صفحه خبرها میرویم تا قشمان نیا آریا آثا رولایت فقیه، خرمشهر را بشناسیم، خبر نقل از مصاحبه یک خبرنگار آریگان که است که ابتدا خلیبکی از دستگراها نیا آریا آثا رولایت فقیه، نصف حواش جمع حمله آریا آثا رولایت فقیه، نصف دو مش متوجه خبرنگار مذکور و نصف سوم حواش جمع حزب اللهها است که لونیروند، گفتگو کرده، با هم بقوا نیا:

این افسر با مساعده حرم رار خارجی سیرنا از اینکه طین سد در اطراف او آریا آثا رولایت فقیه، خیمینی خیری نیست به سیرنگار گفت قشمان نامری این جنگ اعلی حضرت فقید محمد رضا شاه بهلری است.

فصل پنجم - هونتا و شرنو و تصنیف عا میا ندر خدمت حقاقت فقر سرو صدا آریوزنا مه ها دیگری در آریا آثا رولایت فقیه، نیا سیونا لیست، دست در آریا آثا رولایت فقیه، و اینها رشا آریا آثا رولایت فقیه، صفحه اول چاپ شده که خوانندگی است، نخستین به خوانندگی از غریز اینستون که تا حالاً نیا آریا آثا رولایت فقیه، کذا را ز مسرا عهضم بیدو مصرا عا خرمشهر حواش نیا آریا آثا رولایت فقیه، و مواظب جلوپا نیا نیا آریا آثا رولایت فقیه، است و ممکن است سکنند، آریوزنا مه ها دیگری در آریا آثا رولایت فقیه:

و امروز که غریب و آواره، دستی تهی داری، حتی هیچ هم نیستی ... آدم وقتی فقیر میشه، تو بیبهاش هم فقیر میشه.

#### انوشه

فصل ششم - سینهها، هنر آریا ... حالاً که نمونه آریا آثا رولایت فقیه، را دیدیم، یک کمی هم میای منبر هنر سینهها در خدمت ولایت فقیه بنشینیم و چیزها دیگری در آریا آثا رولایت فقیه، اطلاعات آریا آثا رولایت فقیه:

... فصل هفتم - سنا کوروشینم، آریا آثا رولایت فقیه، به مبارکی و میمنت، تکلیف هنر سینهها هم که معلوم شد، آریا آثا رولایت فقیه، حالاً که صحبت سینهها شد، آریا آثا رولایت فقیه، موردرا بطه نشستن در سینهها و آریا آثا رولایت فقیه:

مسلمانان ایران کلیه سینهها های کشور از ساعت چهار به از ظهر روز جمعه (۱۳۳۱) تا ساعت ۸ صبح روز یکشنبه (۱۳۳۱) تعطیل خواهد بود.

#### فصل هشتم - آریا آثا رولایت فقیه، "نشسته" آریا آثا رولایت فقیه:

پس در نشستیم که وقتی لگرد، "قیام" است مردم حق نداشتند بروند "فقود" کنند در سینهها و آریا آثا رولایت فقیه، بقیم در صفحه ۹



# آفتاب

سال اول شماره ۱۵ - شنبه ۵ تیر ۱۳۵۸

تهرانی - جانی‌ها ... من بجای شما از ملت خجالت می‌کشم ...



جای یک مقدار "سلاحها و مهمات مشکوفه" خالیست تا سومقام امنیتی، تکرار شود. تهرانی در "سومقام شکنجه‌گر" یک ثابتی ریختی تشراشیده. و "مدرور" بود، فقط مانده بود که اجازه دهند، بجای دادستان، خبرنگاران با اورویرو شوند، و با طرح سئوال‌های پیش‌ساخته، معلوم شود که انقلاب به بیراهه شرفته و خط مستقیم خودرا همچنان ادامه می‌دهد.

"برنامه" چهارشنبه شب تلویزیون واقعا" یک برنامه بی‌تظیر بود، زیرا یک شکنجه‌گر معروف، بی‌شکده خصوصیات خود تقییری دهد، در خدمت انقلاب اسلامی ایران قرار می‌گرفته و کار قبلی خود مبارزه با گونیمس را ادامه می‌داد. برنامه چهارشنبه شب تلویزیون از نظر حرفه تهرانی و شخصیت این شکنجه‌گر گمیر، ویزگی‌هایی داشت. اولاً اینکه تهرانی در روزگار طاعت بازحمت فراوان و رفتن به "موریت‌های سخت و خطرناک، حد اکثر موفقیتش این بود که زنده یا زنده یک چریک را گیر بیاورد و باز بین بردن او، خدمتی به ساواک و شاه و اربابش عمو سام بکند. حال آنکه تهرانی، در وضعیت فعلی، بقیه در صفحه ۹

## تهرانی در خدمت انقلاب اسلامی

آن روزی که بهمن نادری پور (تهرانی) شکنجه‌گر دقیق قلب ساواک گفت مرا نکشید، من متخصص مبارزه با گونیمس هستم و به زردتان می‌خورم، عده‌ای به ریشش خندیدند و گفتند. این یارو آنقدر ساده لوح است که خیال می‌کند دادگاه انقلاب گول این حرفها را می‌خورد. اما گذشت زمان و ترتیب تصادفی جلسه‌های دادگاه ثابت کرد که تهرانی راست می‌گفته و با خواستن مهلت‌های هزارویک شبی و گفتن قصه‌های شیراز، می‌خواسته است فشارا برای جلب توجه مردم و ترتیب یکی دیگر از آن "شوهای مقام امنیتی" بدهد.

اگر شما هم مثل من، چهارشنبه شب پای تلویزیون بودید و "شو مقام شکنجه‌گر را بی‌دیدید گه تهرانی" "گریرو"ی شنبه شب، صلاحیتی حیرت‌انگیز پیدا کرده‌واز "موضع قدرت حرفه می‌زند، حسن می‌گردید که فقط

کود ننسنتی و گفتن لنگش کن که حرفت را به زانو در نمباره، مرد اونته که با بخاره وسط گود و با حریت سر شاخ سته و طعم تلخ زربه‌های حریت زانا گوست و پوست استخواناش حس‌یکنه. - با اس حساب، این حق ماست که به انجور آدم‌ها بگم، آقا یونا سرگردی بهمان سواحل زسای فرنگ و تفریحگاهها و عشرتکده‌هاش. - البته که حق ماست، حق باید به حقدارش برسه. - منکم عمو مرشد ... - جی می‌خواوی یکی بچه مرشد؟ - منکم که ... - د، بالا جون بکن، بگو بسنم جی سخواوی یکی؟ - منکم، بیی تکلف بزرگوارانی سل بردی و قطب‌زاده و سنی صدر و حرمان و امثال اوناجی مشه؟ - حه‌خون بگم بچه، نکهه نازم هوس حقاکی کردی؟

- آ مرشد  
- آلا، بچه مرشد  
- مصاحبه حاکم شرع را در رورسومه‌ها خواندی؟  
پایته در صفحه ۲



سجانب مرشد  
- جانم بچه مرشد  
- س‌خبر خوش دارم برات  
- چه بغیر خودی؟  
- به فرموده یونیمس، فریبزنده‌ها و آنها یکی از خارجی آخوند، حتی در این انقلاب نیاورند.  
- حقیقتاً هم می‌تواند حق داشته باشند.  
- س‌چنان بگلی، باو که توره این گذاشته؟  
- البته که باری کنای بیان گذاشته، مردم تا پای جان ایستادگی کردند، شهید دادند، سالها زندی، س‌بازها ایهای زندان خواسته، س‌شکنجه شدند و هزاران هزار س‌خفتن و س‌ساروری متحمل شدند، آدم‌ها س‌بچه که موقی پرورزی رسد، س‌حیرا خسی و تلخ‌شان جدا شده و هزار و س‌ت هزار آدم تا زینت، - مگا و تا در خارج س‌بچه س‌تند؟  
- به مرضی است که س‌بچه س‌تند، س‌تار

# ترا گفته بودیم، هورا کنی

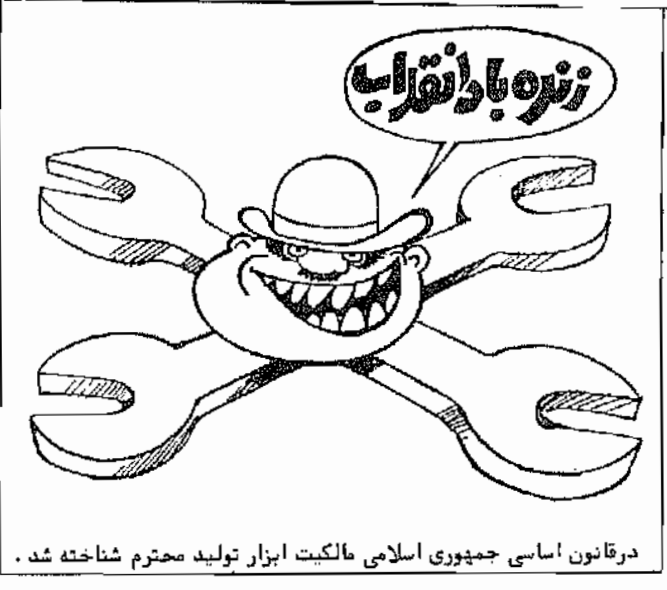
من مسلم شنیدم که در عهد قحط الرجال یکی شورش افتاد. اندر نهال ا بها غاست از هر طرف شورش همه پهنه بر پای و تمسبان کشی ا با دست خالی و دندان و چنگ سر سرکشان اندر آمد به سنگ جو فردا برآمد بلند آفتاب وزان پس که پیروز شد انقلاب غنائم چو آمد، به حد و هور محسارم رسیدند از راه دور " بی مشورت مجلس آراستند نشستند و گفتند و برخاستند دیدند در طبلک و کر و نای که خود گامگی اندر آمد ز پای

براندیسیم سرمایه داری ز در ز سرمایه داران درآمد پسر! و افتاد سالاری و بندگی بدون سوکسل، نمایندگی ازین پس همه کار با مردم است مقاشم فزون از منارجم جم است لر و ترکمن، کرد و ترک و بلوچ همه در حسابند، جان منوچ! به هر کار خلق است، و شورای او حکومت از او بیست و از رای او " همه بندگانیم و بزدان پرست من و گیو و گودرز و هر کس که هست " شنیدم که از چرخ ناپایداری بسی بر نیامد بر آن روزگار که ناگه، دمیدند در کر و نای که سرمایه دارا، مینونی بیای!

وزان پس به مردم نمودند روی که ای بیبده مرد پر خاشجوی ترا با اساسات (ا) قانون چکار تو بزرگتری، شلغمت را بکار! ترا گفته بودیم هورا کنی گفتیم صحبت ز شورا کنی ز تدوین قانون و آن کشمش شتر دیدهای، نه که یعنی ولش! همیدون تو بنشین و یا اشتها بخور آنچه دادیم نسا انتها چو فردا بزآید بلند آفتاب یکی مجلس آرم در توی قاب که تا آخر عمر به به کنی زحیرت شوی مات و چه چه کنی! بسی رنج بردیم از آن سالی که امروز بگیم بی رودروایی وطن مال اینجانبان است و بس نمیدیم یک ذره اش را به کس چو از ماست قانون و قانون گذار تود بگریو، کیب درش را بذار! یکی از بزرگان اهل تمیز جودیداین، بمن گفت، آقای چیزا " جدخوش گفته فردوسی پاکزاد که رحمت بران تربیت پاکباد " بزرگی سراسر به گفتار نیست دوصد گفته چون نیم کردار نیست "

تکش " بازجوی کمیته " را دارد. پنتها آن روزها یک نفر را بازجویی می کرد و کمیته اش در زندان اوین بود، اما حالا حتی در طی مشیم، بازجو میشود و با اجازه دادستان انقلاب، تمام گروهها را محاکمه می کند و کمیته اش در زندان قصر است.

تهرانی را به راضی باید از دستاوردهای با ارزش انقلاب اسلامی ایران دانست و اکنون که جماعت داران نتوانسته اند وظایفشان را به نحو احسن انجام دهند، باید به فریاد تکبیر او گوش فراداد. آمین.



### جنگ قلم با چماق

ع. سنندجی

دیگر خبری نیست ز قداره کشان بدتر ز گذشته کرده ما را نگران از حالت آرامش قبل از طوفان تا نشویه مان برون نباید ز نهان هرگز نبود کسی ز دستش به امان این جنگ همیشه بوده بین آنان ای قوم چماق دار، این را توبدان در چوب و چماق است فقط منطقشان گفتند: جریده ها همه آزادند گفتم: متأسفانه این وضع عجیب چون ماهمه می کنیم احساس خطر هرگز نتوان گفت که ما آزادیم آنکس که ز انتقاد وحشت دارد جنگ قلم و چماق بی سابقه نیست حاصل نشود مراد از چوب و چماق آن خبره سران که با قلم می جنگند

### آگهی تعطیل

بدینوسیله به اطلاع کلیه اهالی مملکت و علاقه مندان می رساند در اثر تغییر و تحولات جاری، در "میخانه" بسته شده است لطفاً تا اطلاع ثانوی از مراجعه خودداری فرمائید.

۱۳۵۷ - ۲

### آگهی افتتاح

بدینوسیله به اطلاع کلیه اهالی مملکت و علاقه مندان می رساند به تازگی در "خانه تریور و ربا" گشوده شده و برای پذیرایی از مراجعان آمادگی کامل دارد.

۱۳۵۸ - ۲

آهنگر - دواگهی تریور را شخصی به نام خواجه حافظ خیرازی برای ما فرستاده و طبق قانون مطبوعات درخواست چاپ آن را کرده است.

### تهرانی در فروردین ۱۳۵۷

با قدم رنجه کردن، به دادگاه انقلاب، در میان انقلابیون می نشیند و در یک "شو" یک ساعته با استفاده از شبکه جمهوری اسلامی ایران، به خوبی و خوشی مرد مرا بگو به هر چه سازمان چه است بدین می کند.

در دوره طاغوت وظیفه تهرانی این بود که چریک های چپ را خراب کند آدمکش معرفی کند، حالا هم عیناً این وظیفه را به انجام می رساند.

تهرانی، همچنان که بارها گفته است، در گفته های پیش صداقت دارد. این صداقت تا بدان حد است که هنوز با وجود از سر گذاردن یک انقلاب قدامت پرستانه به دستگاه ساواک صادق مانده و وظایف ساواکی خود را، در حلقه حفاظت پاسداران انقلاب، از بزرگترین رسانه همگانی انقلاب به انجام می رساند.

آخرین نکته جالب، از "شو" مقام شکنجه گر "اینست که تهرانی در روزگار طاغوت "بازجوی کمیته" بود و حالا هم

# مگر که هور (بقیه از صفحه ۱)

نه، چی گفته بود؟ گفته بود. نیی کار تر خودش آدم خوبه. سنا نور جاویتنس و همکاراش بدند. خیلی هم خوب گفته، عقیده تو

چی؟ منم میگو کمبانی های چند ملیتی خودشان آدمای خوبی اند فقط دست نشاندگان هاشون بدند، عقیده توجیه آمرشد؟

منم میگو امیربالسم خودش مرد خوبی، فقط اطرافیانش بدند، عقیده تو چیه بچه مرشد؟ به عقیده من جاکم شرع مان علم سیاست را در همان فکتنی یاد گرفته که وزیر خارجی مان یاد گرفته، چون اینونهم گفته بود، حساب دولت آمریکا از سنای آمریکا سواست، عقیده توجیه آمرشد؟

به عقیده من اگه دو نای دیگه از این سیاست دارها مبداشتیم کارو بارمان الان سکه بود. سب، بشر قابل ترقیه، اشالا بر اثر تعالیم ارشاد کننده اینا تا چشم هم بزنی تعدادشان میشه چهار تا، شاید بیشتر.

آخرین برتو بچه مرشد، کم کم داری به آئین مملکت داری آشنا میشی. \* \* \*

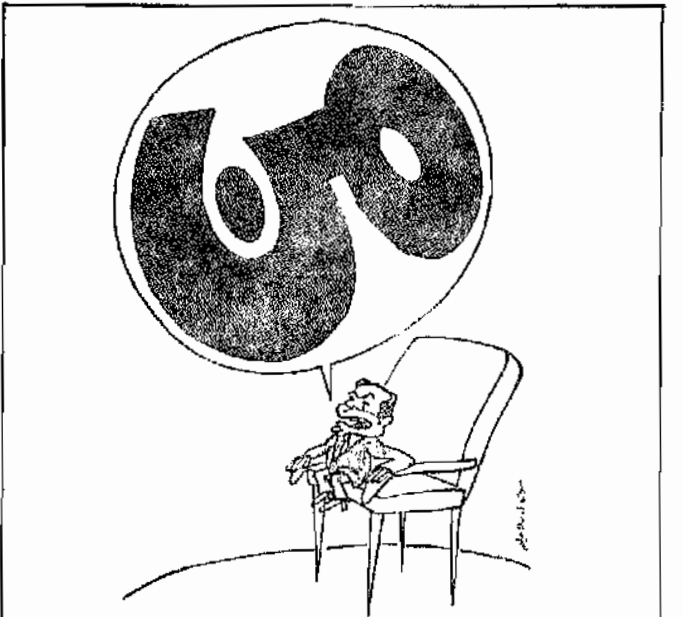
عمو مرشد

چون دلم، بچه مرشد در حسرها آمده بود که حساب بانکی سیصد ۴۰۰ تا از وزرا و وکلای کله کله های سابق را بسته اند. چه خوب، یکی به یکی گفت. تو تند تند برو، من یواش یواش میام میروم بهت.

معنی حرفتو نفهمیدم آمرشد، چی میخوای یکی؟ معنات اینه که اگر میخواستند ببندند، خوب بود پنج ماه پیش می بستند، نه حالا که تا دینار آخرش کشیدند و بردند و خوردند و به جاهای امن رسوندند.

سب، شاید دیدند که خدا را خوش نیامد یهو بی خرجیشان بذارند.

البته، البتہ... از قدیم روندیم گفتند، انصاف نصف دینه.

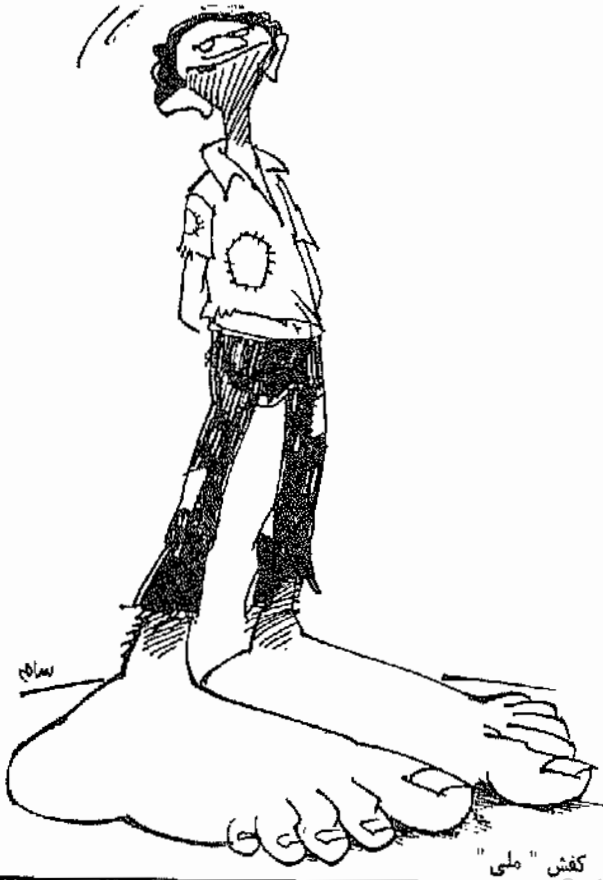


## عبر قلی ناغیل

روشن بابا

که لون، که لون اوشاقلار  
غصه لی دیر، غمیلی دیر  
قدیم قدیم زماندا  
سیر دانا قورود وارایدی  
حرخ یتمیشدی سال، داوار  
اما داخی کوجالمیش  
آج باتاردی چوخ زمان  
بیر گون بنه آج ایدی  
دوردی گلدی شهره  
سولا، ساغا آخدی او  
گوردی اوردابیر اوشاق  
آغزی سولاندی قوردون  
دشدی بونو توتانام  
بیزنجه گون دوزه دم  
لیکن منی تاتیر او  
گورسه قاجار الیمدن  
بنه گری آج قلام  
اگر دگشهم دونو  
نو فکر ایلمه اورفان  
گوردی ننه سی اونون  
گندی اونوا گینه  
اوشاق گورچک آلداندی  
سلیندی آی خان ننه  
بازیق اوشاق آلداندی  
ناز بالانی دوتدی تورود  
ایندی سیزده اوشاقلار  
چوخدور دونین دگشهن  
هر ببردوتابور ونسه  
دشمنلری نسا پینباغ

سیره بیز ناغیلیم وار  
کدرلی، ماتلمی دیر  
بیزیم کنیش جهاندا  
ظالم جانبا وارایدی  
هامی اوندان، ال هاوار  
دنبا اوندان باج آلمش  
ایشی اولمو شدی پامان  
شیکا را محتاج ایدی  
ایشی سالین شهره  
هر طرفه باخدی او  
سومو گلری بومسوشاق  
حالی دولاندی قوردون  
بوتون بوتون اوتانام  
داغ دره نسی گزه رم  
چتن کی آلانیر او  
بنه آج قالارام من  
آجیمدن قیقاق قلام  
راحت دوتارام اونو  
کیوردی قاپیلار بندان  
میخن اسلامیش دونون  
دوشدی ننه شکلینه  
اونو ننه سی قادی  
که ل بیه لی آل منه  
قوردا طرف یولاندی  
قاجیب گوزدن ایندی قورد  
باخون گورون نه لر وار  
ملت ایله دوگوشه ن  
هر شکله گور و نسه  
باخی، پیسی ساینباغ



کفش "ملی"

## ای «حبیب خدا» کاسبکارلار

ترکی (آذری)

مظفر

الامان، الامان، باهالیقدان  
سویولوبوردیم قلیق چیخاچاق  
الهرای الفغان باهالیقدان  
بتله کشته زمان باهالیقدان  
ای «حبیب خدا» کاسبکارلار!  
کیمه بود روی ایله یم اظهار  
بیر قران گنتمه بییدی مزد اوسته  
قالسا بوبرده شکری واردی بنه  
ای «حبیب خدا» کاسبکارلار!  
قوروزانا قورخورام که بوز دوسته  
کشده الدن بوتون عبارلوارلار  
ای «حبیب خدا» کاسبکارلار!

نه قابی باغلانیبیدی واردتسا  
نه گلپ سئل، نه زلزله، نه بلا  
ای بازار اهلی ای بتکارلار!  
ای دکاندارلار ای کاسبکارلار!

ای «حبیب خدا» خداپایان  
"خلفه ظلم، تمهنگدی پایه دین"  
اعتبار ایله "یا اولوالایصار"  
ای «حبیب خدا» کاسبکارلار!

حاجسی لار، کربلا به گنتمیشلر  
اینون خلق جانسه یتیمیشلر  
دفعه لریسه زیارت اتعیش لری  
"بوزه" و "ترمیر جواب" یتیمیشلر  
بودور حقه روا کاسبکارلار؟  
ای «حبیب خدا» کاسبکارلار؟

ای جلالت مسآب عمده فروش  
"آقا" دان بوسوزی دوباره سوروش  
تنه سی، طوخانا، ها می مغروش  
"باها ساتان دینون و نورو مخدوش"  
وارجه نمده اود، ایلان، جاناوار  
ای «حبیب خدا» کاسبکارلار!

دوتولوب ملتین قانی شوشیه  
نگله یرقانسزین قانین سورماق  
"ارز" شکلنده یولانوب اشیکه  
یاراشارا اعتقاد دلی بیرکیشیه؟  
سیزین دور سوزوم ای "اهل بازار"!  
ای «حبیب خدا» کاسبکارلار!

## مرگ و آمریکا

کردی کرمانشانی

روزبیل انقلاب، بنه چودله بیرم  
گشت خلق خدا، دمه یان یکی  
وتیان آمریکا، گورت بکه گم  
الله اکبر، الله اکبر  
نوبت تونه، و درمای دربار  
مردم ناسه نت، که جناسی کیت  
هر شو و شکلی، هر روز و رنگی  
خه مه ته خوار، له ملک خومان  
داخ نسی ملکه، هلم و جرکت  
ارای دمه کت، گوراس ئی لقمه  
مردم نیران، هلسانه و پا  
له خدا تسام، و زوای زود  
مرگ تو بینم، ئی آرزو مه  
های دیمه دیمه، یار دیمه دیمه

## کاکي ناسنگهر

کردی سقزی

"عمر فاروقی"

کاکي ناسنگهر رفعت نه بی مانو  
دای نی له یولا چه کوشوسه ندان  
چینی کریکار له که ل روشن بیری  
کوشکی نیر نیجاج با بروخینین  
تا مانجی تیمه خوشی چه زاره  
نه بی هه ول بده بی یه روزوبه شه  
به سه ری چه کوش به نوکی قلمم  
دهی با سفر کهون فه لاوکریکار  
ههر گیز کول نه دهی کاکي ناسنگهر  
که لی کورد هبویای به تیوه زوره  
ثبتر هه ر بژین به خوشی و شادی  
با، باروهر بیتداری نسا زوای

## علت احضار

— بعقبده تو امریکا چرا کاردار سفارت شو به واشنگتن احضار کرد؟  
— برای اینکه وصله نا جووری بود.  
— از لحاظ امریکائی بودنش میگی؟  
— نه، از جهت اینکه میون چند میلیون آدم بیکار، بودن به آدم کاردار معنی نمیده.  
"ع"





### بیم اندر آثار ولایت فقیه

شوند قبا مکنند، اما همه که زیر بار نمیروند، مثلاً قای "محمد مجد" با آنکه شا عرا سلامی است، از زیر قبا مگردن در میبرد و بیه کنجخا نه اش میخزد تا یک پیمان نه "شرا با طهورا" یا لایرود و از نا را حتی ها یاشا ز فیا م ۱۵م خردا دبرهد، یک بطری "ماء العنب" از خجا لمیا ورد، به زنش میگوید برایش بساط بیندا زد، و بسا حجاب سلامی، در نقش ساقی بیبا له به دستش بدهد، اما هر چسبه مینوشد به جا ئی نمیرسد و انگار که آب خورده است، به این جهت دفترش میآورد و غزلی میسازد که فردا پیش در کعبه ن ۲۰ خردا د چاپ میشود، بسا کید و بیعتش را با هم بخوانیم تا اثرات روحی شرا با طهورا را اندر یا بیم :

### زهرمه

بی غمت در پنجه تقدیر نتوانم نشست  
با جنونی تازه در زنجیر نتوانم نشست  
رشکم آخر می کشد از مستیبت ای رند شهر  
با شرابی خالی از تاثیر نتوانم نشست

فصل نهم - سمینا رخا نگی مستولان مملکتی...  
اگر خیال کرده اید که وظیفه شما جمعه فقط خواندن خطبه نماز جمعه است، یا یجسارتا خدمتان نگویم که گور خوا نده اید و اگر میپندارید که سمینا را هم با بدرسا لنها ی عضو می برگزار کرد، شنباه فرموده اید. میگوئید نه؟ بفرما شید :

منظور بررسی مسائل و مشکلات استان، در منزل حجت الاسلام شمس امام جمعه شهرستان لنگرود تشکیل شد.

فصل دهم - علائم شکوفایی اسلام...  
وا قعاً این است که شکوفایی اسلام و استقلال و آزادی ملت، مثل هر چیز دیگری خرجش می آید، اما شرط میبندم که هیچکس تا همین حالانحدا نست که با عث قراضه شدن ما شینها ی دولتی میشود، حالا برای شاهد آگهی "شرکت شرا بری زینسی" را از زکیها نمیخواهیم :

۳۶۰۱ - الف

بسمه تعالی

«۱۵ خرداد این روز بزرگ تاریخی سر آغاز شکوفایی اسلام و استقلال و آزادی ملت است.»

اهام خینی

### آگهی مزایده اتومبیلهای فرسوده دولتی

شرکت ترابری زینعی در حال تصفیه وابسته بوزارت راه و ترابری تعداد ۹ دستگاه جیب و زیان دولتی را بشرح فهرست و مشخصات موجود در شرکت از طریق مزایده کتبی و یکجا بفروش میرساند.

فصلیایا زدهم - نیا ز مندیها ی عمومی در عصر ولایت فقیه...  
آگهیها ی زیر را هم به عنوان نشا هدی برای تا شیر شگرف ولایت فقیه در شوع و نحو ه نسیا ز مندیها ی مردم، از زکیها نبریده ایم :

#### بدون جواز فروشی

۷۰ متر زمین ۱۸ متر عمق با مستاجر  
پکباب نخلیه ۲۰۰ متر سانس کعبه  
باری سعلاز لائن ۲۳۷۶۱۳

#### تابلو سباز مهدی

سازنده انواع تابلوهای دکتری و بیرو  
در اسرع وقت ۲۴۵۹۱۶ از ۴ تا ۸  
بهذاز لاهر

بهک جواز عملی سازبان جهست  
شرکت فوری سازندیم تماس  
۲۳۱۱۹۵ صبح تلفن

#### پا مجوز قطعی

کارگر شمالی ۱۰۰ متر  
کارگر شمالی ۳۰ متر  
۲۳۵۱۱۶ - ۲۳۵۰۶۶

مسکن وزیر ۸۳۳۹۱۲  
۸۲۴۳۸۴  
۱۸۸۱۸۸ کارگر خانه ۴۰ متر  
دو طبقه مستقلانی ۲۰ متر  
کاج دو طبقه یک خوابه

در جوانی مهدان خراسان بهند خانم  
خیابان نیاز مندیر ۵۲۲۵۷۹

ونک ملاحدا ۲۰ متر  
زیر بنا یکمیلون ششصد سا گاز  
روشن ۷۲۱۱۵۰

امپار لکان ۵۰ و ۱۱۰ متری سفید  
امام حسین فروشی ۷۵۳۳۷۸

دستگاه اپارتمان برای ۳ خانواد  
زانیس ۳۳۳۳۳۳  
۲۹۳۹۲۷ تا ۱۰ شب علوازه

#### زوج شاغل

۳۷۳۷۳۷۳۷

خوابگاه خانمها ارزان  
۸۳۳۳۳۳۳۳

بستعدادی و دوشیزه یابانو  
جهت گارهای تولیدی  
نیاز مندیر ۷۰۹۳۳۶۰

یک خوابه مجری دی نیاز مندیر  
۸۳۳۳۳۳۳۳

یک خوابه قلهک دولت ۱۰۰ متر  
مفید ۲۳۹۷۷۱

دو طبقه ۵۵ سال سابقه کار جهت ع  
سهام شرکت بدون سرمایه تلفن  
۷۲۸۵۰۱

دعوت به شرکت خانم مریی ماشین  
نویس تلفن ۸۹۷۷۸۱

چهارم کعبه و صحنه در عرف  
سهمیت یکدیگر با سه ارصال  
مواصب شعرا نامی یکدیگر  
۲۳۳۹۱۵ - ۲۲۱۱۷۶

اطلاقی صیله شیک در مستر پارام  
شوق نهران برای آقایان ۷۶۵۶۷۰  
اطاق کوچک در شهر آرا اجاره نقد  
بسمای تلفن ۹۷۹۳۶۰ بسون  
۸۳۳۳۳۳۳۳

فصل دوازدهم - اندر گمشدن شتر با رش...  
یکوفتی برای اینک نه بیت شلوغ بلوغی و خرنو خری را نشسان  
دهند میگفتند "شتر با رش گم میشود، حالا برای آنکه دریا فتسی  
از نحو و خرنو خری در جا معاز بر فرما ن ولایت فقیه بدست بیا وریم  
بد نیست این آگهی را هم بخوانیم و تا هفته آینده شما را به فقیه  
عالم لیدر آیت الله منتظری بسپاریم :

### گامیون کمپرسی گمشده

یک دستگاه گامیون بنز ۱۰ تن کمپرسی ۶ چرخ  
مسدل ۷۶ بشماره ۴۳۹۳۸ تهرآن ج بسرنک  
تارنجی اطاق کمپرسی سبز مفقود گردیده از  
یابنده خواهشمند است با تلفن ۷۵۴۲۰۵ تماس  
گرفته و مزدگانی دریافت دارد.



حق را تعلیمشان بر باد داد...

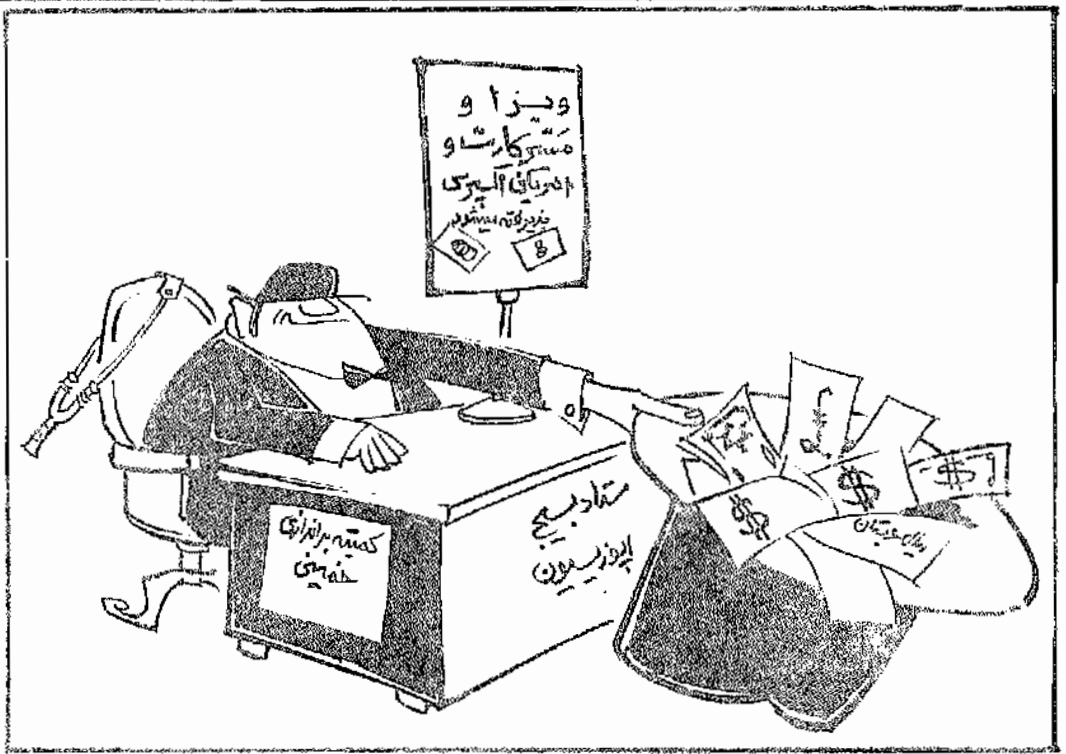
قابل توجه

خوانندگان آهنگ در لندن

نظریه اینک تشریح آهنگر  
از شما ره ۱۵ به صورت هفتگی  
منتشر شده است. خوانندگان  
که به علت عدم اطلاع از این امر،  
موفق خرید شما ره های ۱۵ تا  
۱۷ نشده اند، چنانچه با بست  
هر شماره کسری ۴۰ پنس سمبر  
باطل نشده بدقت آهنگر  
ارسال دارند، شما ره های  
کسری در اسرع وقت به نشانی  
ارسال خواهد شد.

بقیه مرصده از صفحه ۲

منظور اینکد سرا نیل  
کارها شوگرد، چندین هزار  
لبنانی و فلسطینی روکشت،  
نصف لبنانی نوتصرف کرد، وقتنی  
دیگه کاری نموند بود کسه  
بگنه، سیل اخطاروا عتساروا  
اولتیماتوم سرا زیرش دولت  
ستمدیده لبنانی و فلسطین،  
هم قتل عام شدن، و هم کلاسه  
چیزی هم بد هکارن و سرشون  
منت گذاشتن که "بعلشع،  
اخطارهای ما بود که جلو  
اسرائیلو گرفت."



مکه کار دیگه بهم میتونستن بکنن؟

معلومی که میتونستن، اینک کار نشد که بذارن بیا و هورغظی  
دلش میخواست دیکنه، بعدشم تنها کارش این باشه که مثل شجا و زهای  
پیشش به مصر و سوریه واردن، اون قسمتها ترو که گرفته نگهداره  
وبه تدریج ما خودش بدونه و هیشکی هم نباشد که بگه آخه و آسه چی  
سوز مینمایم مرد سو قصب میکنی؟ توتا حالادیدی که یکی از این بر-  
قدرتیا بیا دیگه کمک کشورها میوردن تاجرا سرا نیل، یکبار جنگه  
واسرا نیلوا دیگه دیگه از این غلطیا نکنه؟ چطوره که انگلیس  
پا مینماید از این دنیا دیره و شور دنیا که هزار و هشتصدتا ساکن  
جزا بیا! کشته و زجا و زآرژا ننتینجات بده، ولی هیشکدوم از  
این بر و هشتاد ظرف این چندسالی که سرا نیل هر روز به جنونک  
بازیدر میاید، برشته کوشما لیسش بده؟ سرا نیل زخدا دلش میخواست  
کهره کارها سو بکنه، چندتا فحش هم پیشش بدن، چون فحشها و اخطارها  
وا ولتیماتومها فرا دوش هیشه، اما ندکشته های فلسطینی و لبنانی  
زنده میشنونه منا طوری نشدند با دمیسه، و تخریب نشوند آده که  
تدرسز مینمایم غصب شده و سرا نیل پس میده.  
مرشد جانعبانی نشو، صلوات بفرست، حق پد ر صلوات بفرستو  
بیا مرزه... اللهم صل علی...

بقیه شما بیستاه "بیش از ۷۲ تن"

چون معتقد است که شبیه سازی  
از کتاها نکبیره است، بنا به  
رافت هنرمندان، راهی نشده  
است کسی را به شبیه سازی  
حضرت آیت الله بهشتی و محمد  
منتظری و بقیه "بیش از ۷۲ تن"  
و ادا رد، لکن از زینندان  
سیاسی هنر پیشتگا را انتخاب  
میکند و آنها هرشب با انفجار  
هریبب منفجر میشوند و هم اصل  
واقف گرا می اسلامی را بد ثبات  
میرسانند و عمدا حتما لآ مرزیده  
میشوند، تنها ایراد منطقی که  
برای جرای این شرو واقف گرا می-  
شوا نوآورد، یکی هم اینست  
که چون ز زندان میآید دیگر  
کسی زنده باقی نمانده است  
کارگردان میاید درت به استفا ده  
از زندانیا نزن کرده است اما  
با یک تمهید اصولی و سنسیتیو  
جدید آرا را در لبیا س آیات  
عظا میده، نه میفرستند و منفجر  
میکند، یا تاجاب اسلامی، اثر  
این بنگار چپا بدهد است که با  
وجود فقدها خبرنگار خا رجی که  
گذا ب هم هستند، کلیه خبر-  
نشا را نشری و غربی، این خبر را  
بدخا رج منفا بهره کرده اند و عوت  
نا صها می زتننا ترها ی بزرگ  
چنانچه ما نندشانه لیزه -  
برای ما رسیده است که کارگردان  
با یک جواب دندان شکن نها  
را رد کرده است چرا که فروتنانه  
منتقد است تننا ترا و بیا بیدید  
از خود و جمهوری اسلامی به خا رج  
بروده نه قبل از آن، و میگوید  
آنها امپریالیسم و صیبر نیسم  
هستند و در تننا ترا نذبح اسلامی  
وجودند و در خودک میخورند  
وا بیستاه توالت میروند  
و شراب فرو میدارند، لهذا  
اوبرای ملت همیشه در صحنه  
ایران تاجا ندریدن دارد  
تننا ترخوا هدا سخت، ضمناً از ذکر  
نامشوبینده این شما بیستاه  
به دلایل شرعی معذوریم.

چنانچه در اول شهید آیت الله  
منتظری فرورفته اند که پشت هر  
شرقی و غربی را به خاک میزدند  
کارگردان که با دستهای  
داستان انقلاب هنریه، ارا  
هر شب از میا زندانیا زین  
وقصر و حتی همه زندانها اسلامی  
با هوشیا روی وقت و مطالعه  
شبا نروزی انتخاب میکنند  
همه را دور یک میز که بدست  
یک استاد منبیت کار مکتبی  
ساخته شده و حتی زمیز شیبند  
دکتر بهشتی هم گرا نباشد تراست  
قرار میدهند که البته تمام هر دو  
پرده این شما بیستاه مدبرای رعایت

اقتصادی جدید و یک اتفاق  
اتفاق می افتد، اما کارگردان  
مکتبی که به اصول ولایت فقیه و  
رهبری امام ایما زنده اند این  
همانگانه نگرده، با کسک بمب  
وسپا هیا ساران بدخلق بمب  
ها شپردا خسته که با جرات من-  
شوا نکت از سبب اصل اجرا  
همینز کمتر مینماید و کشته از  
اینها هکار، جلوی صحنه را یک  
زهر سرتا سری میپوشاند که برای  
دو منظور مقدس اینکار شد  
است: اول شکایا دور زهر  
مبارک رزمندگان نکر بلا میباشند  
و دوم آنکه در خدمت سلامت امت  
همیشه در صحنه تمام شایا سترکه  
از انفعال ریبب صدمه نمینند  
مطرحنیا شند که جمهوری اسلامی  
با تمام برت میشنود تننا غربی  
از دماغ هیش تننا گریه زمین  
نریزد.

و اما هنر پیشه ها و اینها  
است که با کارگردان را  
با دیدر کتب نوشت و شرح مل  
بر میالغه نشود بیا بیا  
به بیا جمهوری اسلامی، اقصی  
نقاط دنیا با در کرد تننا بد قول  
آنها عمر مکتبی "بدگرو ما نند  
سرایزنگار، کارگردان مکتبی

**Print & Design**  
چاپخانه های تهران  
چاپ کتاب روزنامه، مجله، پوسر، بروشور و...  
و حروفچینی انگلیسی، فارسی، عربی و...  
4 Maojoo Road, London W14 0PR. Tel: 01-602 7569  
چاپخانه های بکا  
مقابل پارکینگ المپیا  
نزد بکایستگاه المپیا

# وقتی چریکهای السالوادور اسلام می آورند

روزنامه های تهران گزارش داده بودند که آیت الله گریه نره در ملاقات با نمایندگان جنبشها و از ادبیش جهانگفته است "اگر میخواهید نهضت های شما به ثمر برسد، فعلا لیت های خود را برای اسلام قرار دهید و مردم را به اسلام دعوت کنید". شما بندگان جنبشها و آزادی بخش، پس از شنیدن این سخنان حکیمانانه به کشورها پشیمان برگشته اند و به مبارزاتی که مجسم بفرمان آیت الله که مثلاً شما بندگان جنبش آزادی بخش السالوادور که در این جلسه حضور داشته به میان مبارزان بر میگردد و آنها همه منتظرند که ببینند چه سوغاتی از ایران برای آنها آورده است.

شما بندگان مورد بحث کسه آیت الله نسوری را هم با خودش بدالسالوادور برده، به آنها میگوید:

— اینجوری فایده ندارد و جنبش ما به جایی نمیرسد، همه خیر نژاده میپرسند؟  
— پس با یید چکار کنیم؟  
— با یید هر چه زودتر اسلام

بیارین،  
— اسلام بیاریم؟ زکجا بیاریم؟

شما بندگان جنبش، که خود ش هم نمیدانند زکجا بیاورند، رو به آیت الله نسوری میگوید:

— خوب راست میگویند، از کجا بیاورند؟  
آیت الله نسوری لبخندی

میزند و میگوید:  
— بگویند نا راحت نباشند منبرایشان نمی آورم.

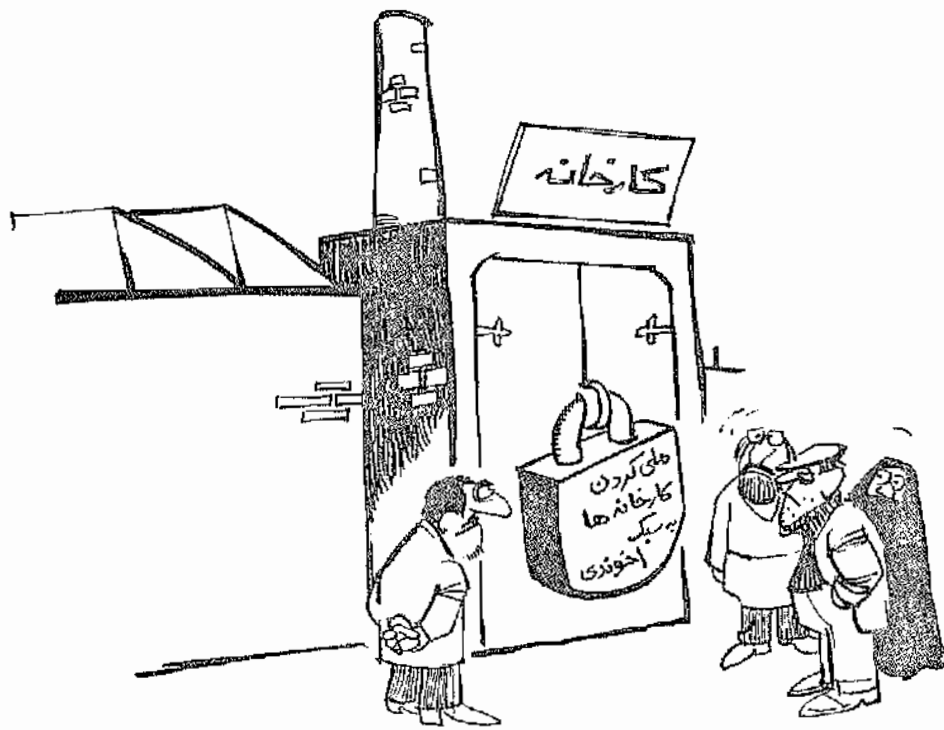
بعد، آیت الله دستور میدهد یک خمره میا آورند در یکی از چادرها را ردوگاه میگذاردند و چریکها را یکی یکی به داخل آن میبرند و از نظرف پس از آن

ساعتی دو هوا را، رنگ قرمزها در حالیکه گشا دکشا در آه میروند بیرونشان نمیکنند.

از فردای آن روز به مدت یک ماه هر که به کمپ چریکهای اسلام آورده میروند، آنها را می بینند که گنگهای قرمز بسته اند و ضمن اینکه زرد و سوزش نا راحت هستند، خوشحالند که پس از استیلا مزخما سلام، نهضتشان به شمر خواهد رسید.

## تعلیق به محال

"رفسنجا نی گفت: اگر مزاحمت عمده ای برای جمهوری اسلامی پیش نیاید و گروه های شیطانیه ما را از مسیر حق منحرف نکنند طبقه کارگر از آینده خوبی در ایران برخوردار خواهد بود."  
— ولی حیف که گروه های شیطانیه تصمیم گرفته اند تا با بنام جمهوری اسلامی ما را مرتباً از مسیر حق منحرف کنند.



نمونه طنز خوب در جمهوری ادبای تقدیم خوانندگان آهنگر میشود.

اول تهران است که محتاج هیچ توضیح و تفسیر و نمک برآنی نیست و به عنوان یک

آنچه در زیر میخوانید سفرنامه فخرالدین حجازی وکیل در حاشیه کنفرانس اوپاک - ۶

نوشته: فخرالدین حجازی

## گفتوگو با خبرنگار مصری مجله آمریکائی

گفته حالا چی، حالا که در سنا جای اسرائیلیها را گرفته با خیانت سادات و مبارک گفت سادات بی ولی مبارک... گفت مبارک چی تا او هم که راه خیانت سادات را میروند، بکنه بوه مثل حسین میکل، خودت را مبارک فروختی؟ چهره اش تابناکوش سرخ شده، چهره ها خندیدند و مخرولوموند تکان خورد و جناب مخیر برای آنکه خودش را از زنگ و نا بسازد گفت چرا نمیکنارید خبرنگاران با ایران بیایند؟

عزیز پیرس، خیلی سحر بودند و میخواستند مرا مستانداز بدارند و گفتند این انقلاب سنا تا حالا جنگار کرده است گم سه کارها، کورهای انقلاب دیگر تا بیت سال توانستند کارشان را روبراه کنند ولی عاجزانه قانون اساسی داریم، هم نارلمان، هم رئیس جمهوری، هم دولت، هم تپا، های انقلابی و کارمان خیلی خوب روبراه است.

های سفید و سوار آبی و بایرون متکی و ظرف غذا آورده، بخار گرمی بر سر میخارت گویا گوشت خوک بیرون آنرا پیچیدیم، کفرشان برآمد رفتند گوشت گوباله آوردند آرامم چون ذبح شرعی نداشتن کفر فیم داشتند دیوانه میسند قدری ماهی آوردند، اطمینان بروغش نداشتیم، بالاخره قبری بیرون و سالاد خوردیم و آمدم بیرون و این نخستین بار امتناع ما از مصراعات اسلامی بود که در آن سرزمین کاشته شد.

اعتصاب غذا  
جمله شلیل شد و آمدم بیرون، خبرنگارها و فیلمبردارها طرف ما هجوم آوردند، جیوانک صورت تراشیده و تیک و چغف و پدر سوخته ای آمد جلو کاز غرضی سؤال کند، نه باب ماون وزیر گفت مواظب باش که این پره مخیر روز نامه آمریکائی لوسی آنجلس است سرش را انکاشت بالسن و پونچس پاسخی نداد.

گفتم خیلی هانان آمدند ولی ما خبرنگاران کذاب را راه نمی دهیم. گفت ما قول میدهیم حقایق را بنویسیم. گفتم اگر مغارت ما تأیید کرد بیاید حرفی نداریم خوش و بشی کردند و رفتند و منضم دراز کشیدم و چهره ام را بهم گذاشتم.

ساعتی با خستی فراوان خوابیدم که تلفن باز هم زنگ زد مهم ترکیه از جا پریدم. یک مخیر ژاپنی بود که انگلیسی صحبت میکرد و گفت عشر حجازی میخواوم با سنا صحبت کنم خیلی لازم است گفتم باشد برای بعد. چند دقیقه گذشت که درق و دورق نگیان هم اطاق بلند شد و صالح از خواب پریدند اک ژاپنی رساوصدا که چشمهایی تنگ داشت آوردت، او هم روبروی من نشست و گفت امروز درواک بدگنشت؟ گفتم اینهمه حیات هستند نصف شبی از من چه میخواهی؟

روزنامه های آمریکائی که رزمندگان ما پرچم آمریکا را لگه مال میکنند و مردم ما در نماز های میلیونی خود آمریکا را نهین میکنند و انام فروده است که جریه فریاد دارند بر سر آمریکا بکشید؟ روی منلی تکانی خورون و رنگش برید و گفت اگر آمریکا روش خود را عوض کند چه میکند؟ گفتم آمریکا قابل تغییر نیست فلز و خصیصه اش کاپیتالیستی و غارتگری است مگر شا مصریها حیایات آمریکا را در حمایت اسرائیل هنگام حمله به مصر فراموش کرده اند؟ سرش را پائین آورد و گفت نه ولی حالا

مصاحبه مطبوعاتی  
آمدم هتل و باز عرسی و کارکنان شروع کردند به مذاکره بحث، کلام داغ شد بود، گم من باشم که دیگر با سنا نتوانی معاشرت کنم! رهنم توی اطاق دراز کشیدم. پانچاهم گرمی شدند که تلفن زنگ زد گفتند مخیرین دارند می آیند گفتم به من چه؟ شنگه او بگری نسیم گفتند حاره ای نیست قبلا وقت گرفتارند گفتم به ترشی که از تحت بدستین نیام من خواستم به اعانتای خود را بخارجینیا نشان بدهم.

ناهار را همان وزیر نفت اکوئور بسودیم در یک آستانه خراش بلند که پاک آمریکائی بود موروسانی را داشت بودند، فاصلد بین هتل و بانک را پلیس کیپر کپ گشته بود با سپر و خصر و تنگ و گاز اشک آور و در مدخل سالن غذا خوری بار مشروب، سراب میبل میکرد و او یکی ها سر بخمر میزدند و فرخاوشی برپایود. ما پالین نرقسیم و بیرون آمدم و اعتصاب غذا کردیم. هماندار ما کازنه شد و هر چند انسان کرد و نکلت آبروی دولت ما میروند شد که نشد. داشتند ناخ در میاوردند که اینها دیگر می هستند که از آنطرف دنیا آمدند و با ریش و قیافه شان کاسه و کوزه ما را دردم می شکنند. بالاخره عملای آمدند و واسطه شدند و ما را بردند بهائی دیگر و گفتند در آنجا اصلا مشروب سرو نخواهند. بی خدمت ها آمدند با پیراهن



